

سیاست چین در دریای جنوبی؛

سیاست قدرت و نفوذ دریایی

مهدی عباس زاده فتح آبادی^۱ احمد رمضانی^۲

تاریخ دریافت ۱۳۹۶/۲/۱۷ تاریخ پذیرش ۱۳۹۶/۶/۲۴

چکیده

دریای جنوب چین بخشی از اقیانوس آرام است که چین مدعی مالکیت مطلق بر ۸۰ درصد آب‌های آن می‌باشد و در این باره با دیگر مدعیان مانند؛ فیلیپین، ویتنام، مالزی، برونئی، اندونزی و تایوان اختلاف دارد. سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که چین در دریای جنوبی چه سیاست‌ها و اهدافی را دنبال می‌کند و این اهداف و سیاست‌ها چه تاثیری بر روابط منطقه‌ای چین داشته است؟ بعلاوه منازعات چین با کشورهای همجوار در حوزه دریای جنوب چین نیز مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که چین به دلیل رشد اقتصادی و همچنین نیاز به منابع، در پی گسترش قدرت و نفوذ خود در دریای جنوبی است و این سیاست به تشدید منازعه در روابط چین با کشورهای حوزه پیرامونی این دریا و قدرت‌های ذی نفوذ منجر شده است. در این پژوهش از چشم انداز نظری واقع گرایانه به تجزیه و تحلیل سیاست چین در حوزه دریایی جنوب پرداخته شده است، هم چنین سعی شده است از شواهد و داده‌های کمی تجربی در بررسی مساله مورد تمرکز مقاله استفاده شود. روش پژوهش بکارگرفته شده روش تبیینی است و شواهد و داده نیز از منابع کتابخانه‌ای استخراج شده و بکارگرفته شده است.

واژگان کلیدی؛ سیاست خارجی، چین، دریای جنوبی، واقع گرایی، منازعه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. استادیار گروه علوم سیاسی دانشگاه شهید باهنر کرمان

نویسنده مسئول؛ maphdir@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه تهران

مقدمه

دریای جنوب چین از اهمیت ویژه‌ای نه تنها برای آسیای جنوب شرقی بلکه برای تمام جامعه بین‌المللی برخوردار است. آب‌های این دریا یکی از راه‌های مهم کشتیرانی جهان است. بر اساس مطالعات، دریای جنوب چین به صورت بالقوه سرشار از منابع انرژی، شامل نفت و گاز طبیعی است. این دریا منبع اساسی هیدروکربن برای کشورهای درحال توسعه مشتاق انرژی منطقه است. دریای جنوب چین با وسعتی معادل حدود ۳۵ میلیون کیلومتر مربع مورد ادعای چین، تایوان، ویتنام، فیلیپین، مالزی و برونئی است. دریای جنوبی بیش از ۲۵۰ جزیره صخره‌ای، مرجانی و... دارد که عمده آن‌ها خالی از سکنه هستند. تعداد زیادی از آنان با جزر و مد دریا پدیدار و ناپدید می‌شوند. پکن با سرمایه‌گذاری هنگفت، ۸ جزیره مرجانی را با خاک‌ریزی به سطح دریا آورده و با ایجاد استحکامات درصدد بهره‌برداری از آن‌ها است و اطراف آن‌ها را جزئی از آب‌های سرزمینی تلقی می‌کند. تمام کشورهای دارای مرز دریایی در این دریا بر مقدار یا تمامی جزایر کوچک «اسپراتلی» و برخی یا تمام فضای دریایی و منابع آن ادعای مالکیت دارند. چین بازیگر اصلی در این منازعات است و هرگونه راه حلی باید مورد پذیرش این کشور باشد.

اما موضع چین نامشخص است و میان سیاستهای اعلامی و اعمالی آن تفاوت وسیعی وجود دارد. چندین گروه جزیره در دریای جنوب چین مورد منازعه است. اولین گروه جزایر «پاراسل» (paracels) و به زبان چینی «ژیشا» (Xisha) و دومین گروه جزایر «اسپراتلی» (Spratly) و به زبان چینی «نانشا» (Nansha) در دریای جنوبی که اولی مورد منازعه چین، تایوان و ویتنام و دومی مورد منازعه هر ۶ کشور چین، تایوان، فیلیپین، مالزی، برونئی و ویتنام است. ساحل «مککلسفید» (Macclesfield Bank) به زبان چینی «جونگشا» (Zhongsha) و تپه زیرآبی «اسکاربرو» (Scarborough Shoal) مورد منازعه چین، تایوان، فیلیپین است و جزایر «پراتاس» (Pratas) به زبان چینی «دونگشا» (Dongsha) مورد منازعه چین و تایوان می‌باشد.

مالزی نسبت به ۷ جزیره که کاملاً در منطقه جنوبی جزایر اسپراتلی است ادعا دارد؛ دلیل آن هم قرار داشتن در فلات قاره مالزی است. بروئی نیز مدعی منطقه انحصاری اقتصادی خود است که ۲۰۰ مایل دریایی را شامل می‌شود و ساحل «رایفلمن» (Rifleman Bank) و قسمتی از «کالیان» فیلیپین را نیز در بر می‌گیرد. ویتنام ۲۱ تا ۲۴ مورد، چین ۸ تا ۹ مورد، تایوان ۱ مورد، فیلیپین ۸ مورد، مالزی ۳ تا ۶ مورد را اشغال کرده‌اند. هر یک از این کشورها شیوه‌های مختلفی را برای اعمال حاکمیت خود به کار گرفته‌اند؛ از کاربرد نظامی گرفته تا برافراشتن پرچم، اشغال جزایر، ساخت امکانات، ایجاد ساختارها و نشانه گذاری جزایر. هر کشور تاریخ خود را برای دفاع از حق مالکیت بر این جزایر ارائه می‌دهد. مسئله دشوار این است که چین ادعای حاکمیتی تاریخی بر این دریای حاشیه‌ای اقیانوس آرام دارد و بر اساس اسناد تاریخی که به ۴ قرن قبل از میلاد مسیح برمی‌گردد، حضورش را قانونی و مشروع تلقی کرده و حاضر نیست هیچ‌گونه عدولی از آن را بپذیرد.

چندین کشور در پیرامون این دریا، ادعای مالکیت بر جزایر موجود را دارند. این اختلافات، موجب اعمال خشونت و در مواردی کاربرد نیروی نظامی شده که نگرانی‌های زیادی را در راستای تأمین امنیت منطقه به وجود آورده است. جمهوری خلق چین و همچنین تایوان تقریباً با تمامی کشورهای مدعی اختلاف سرزمینی دارند و با ترسیم «خطوط ۱۰ گانه» بر کل منطقه، ادعا دارند و هیچ ادعای دیگری را نمی‌پذیرند. پرسش اصلی مقاله این است که چین در دریای جنوبی چه سیاست‌ها و اهدافی را دنبال می‌کند و این سیاستها و اهداف چه تاثیری بر روابط منطقه‌ای آن داشته است؟ در پاسخ نیز این مقاله با عنایت به کاربست چارچوب نظری واقع‌گرایی، بر این فرضیه تأکید می‌کند که سیاست چین در دریای جنوبی، سیاست افزایش قدرت بوده و در این راستا، قدرت یابی چین به نظامی‌گری و بی‌توجهی به حقوق بین‌الملل و در مواردی نزاع و درگیری با کشورهای منطقه انجامیده است.

۱. پیشینه پژوهش

در خصوص سیاست چین در دریای جنوبی به طور مشخص پژوهشی انجام نشده است و در اینجا برای پرداختن به پیشینه پژوهش ناگزیر باید به مرور آثار کلی‌تری که در این

زمینه وجود دارد بپردازیم. به عنوان مثال افشین متقی و حسن کامرانی دستجردی (۱۳۹۴)، در مقاله «ژئوپلیتیک و واقع گرایی - مورد؛ گفتمان سیاست خارجی چین»، از بعد تئوریک به چرخش گفتمان سیاست خارجی چین از ایدئولوژیک به واقع گرایی و عملگرایی بر مبنای واقعیتهای ژئوپلیتیک نظام بین الملل می پردازند و با تمرکز بر گفتمان دنگ شیائو پینگ با محوریت توسعه و صلح به بررسی تغییرات در سیاست خارجی چین بحث خود را پیش می برند. حیدرعلی بلوچی (۱۳۸۹) در مقاله «قدرت افکنی چین»، به این موضوع می پردازد که چشم انداز رشد اقتصادی مداوم و فزاینده چین، احتمال افزایش توان قدرت افکنی این کشور را بالا می برد. نویسنده در بخشی از مقاله به قدرت افکنی چین در سطح منطقه ای بخصوص در قبال تایوان هم پرداخته و اشاره می کند که چین در تقابل با تایوان به عنوان یکی از اولویتهای راهبردی خود توان نظامی خود را بالا می برد تا قدرت تاثیرگذاری بلامنازع را کسب کند.

هادی سلیمانپور (۱۳۹۵) در مقاله ای تحت عنوان «چین در میانه دو قاره»، بررسی می کند که چگونه چین به عنوان اصلی ترین بازیگر آسیای معاصر در تعریف روابط آتی دو قاره و تعاملاتشان با نظام بین الملل نقش آفرینی خواهد کرد. نویسنده معتقد است خروج اروپا و آمریکا از فضای جنگ سرد و قدرت یابی چین، فضای مساعدی برای تعریف سیاست متمایز آسیایی تحت تأثیر قدرت چین ایجاد کرده است. مقاله مذکور بیشتر بر روابط چین با کشورهای غربی بویژه اروپایی در نظام بین الملل جدید تمرکز دارد. بهاره سازمند و فریبرز ارغوانی پیرسلامی (۱۳۹۱)، در مقاله «چالش های ژئوپلیتیک منطقه ای و ظهور مسالمت آمیز چین»، به چالشهای منطقه ای فراروی دکترین ظهور مسالمت آمیز چین با تاکید بر معضلات ژئوپلیتیکی می پردازند. از نظر نویسندگان چین در سطح منطقه ای با چالش «تصور تهدید» (از سوی همسایگان) مواجه است و برای رفع این مسئله که پیش نیاز رشد و توسعه اقتصادی این کشور است از طریق دیپلماسی فعال در قالب یک راهبرد کلان سیاست خارجی برای ایجاد ثبات در منطقه تلاش می کند. و در نهایت سازمند و ارغوانی پیر سلامی (۱۳۹۱) در مقاله ای دیگر تحت عنوان «چین و چالش تصور تهدید در جنوب شرق آسیا»، به طور مشخص به ریشه چالشهای چین با همسایگان در زمینه های ژئوپلیتیک، ارزشی - تاریخی و اقتصادی می پردازند و پاسخها و

سیاستهای چین را در زمینه‌های مذکور بررسی می‌کنند. از بین مقالات مذکور این مقاله به نسبت وارد مسائل جغرافیایی و مرزی چین با همسایگان شده است، اما به طور کلی به مرور این مسائل پرداخته و تمرکز بحث خود را بر آن قرار نمی‌دهد. همانطور که ملاحظه شد مقالات نوشته شده راجع به سیاست خارجی چین عمدتاً به موضوعات کلی مانند تغییر گفتمانی در سیاست خارجی، ظهور چین به عنوان قدرت جهانی، سیاست‌های اقتصادی و نظامی این کشور و امثال این موضوعات تمرکز داشته‌اند. مقاله حاضر به طور محدود و جزئی به سیاست منطقه‌ای چین بویژه سیاست این کشور در خصوص دریای جنوبی اختصاص داشته و روابط منطقه‌ای این کشور با همسایگان را در حوزه مذکور مورد بررسی قرار می‌دهد.

۲. چارچوب نظری: واقع‌گرایی

واقع‌گرایی (رنالیسم) مهم‌ترین و پایدارترین نظریه و یکی از قدیمی‌ترین نگرش‌های پدید آمده در عرصه توضیح و تبیین مسائل بین‌المللی است و هنوز در میان سایر رهیافت‌های موجود دارای جایگاه مناسب و درخوری می‌باشد. واقع‌گرایان در مجموع نگرش‌های خردگرا و تشریح‌کننده وضع موجود را دارند و کمتر به پیشبینی می‌پردازند (عبدالله خانی، ۱۳۸۳: ۵۹). به عقیده واقع‌گرایان، ساختاری که به رفتار دولت‌ها در عرصه بین‌الملل شکل می‌دهد، ویژگی هرج‌ومرج گونه نظام بین‌الملل است. این ویژگی دولت‌ها را به سوی دستیابی به قدرت سوق می‌دهد. در این محیط، هیچ‌کدام از کشورها از امنیت خود مطمئن نیستند، نسبت به واقعیت‌های قدرت به شدت حساس می‌باشند و از هر تلاشی برای دستیابی به قدرت بیشتر فروگذار نمی‌کنند. در چنین محیطی دولت‌ها نسبت به رفتار دیگران به شدت حساس هستند؛ زیرا افزایش قدرت به منظور تضمین امنیت به معنی تهدید امنیت دیگران است. در نتیجه تئوری برای دستیابی به قدرت میان کشورها به وجود می‌آید (Trachtenberg, 2003: 170).

اساس مکتب رنالیسم بر پایه تأکید بر سیاست قدرت و پیگیری منافع ملی نهاده شده است. فرض بنیادی رنالیسم این است که دولت بازیگر اصلی صحنه بین‌المللی است و می‌تواند به صورت واحد مختار عمل کند (هیوود، ۱۳۸۹: ۱۹۰). رنالیسم در شکل کلاسیک آن در اثر توسیدید یعنی جنگ پلوپونز (۲۷ قرن پیش) منعکس شده است. این

سنت را در عصر مدرن در اروپا کلازویتز (درباره جنگ)، لئو پولدرنک (اولویت سیاست خارجی)، فردریک ماینک (دلیل وجود دولت) دنبال کردند و در آمریکا محققان و سیاستمدارانی مانند هانس مورگنتا، هنری کسینجر و جرج کنان به ارائه نظریه و بحث درباره آن پرداختند (قوام، ۱۳۹۴: ۲۹۸). واقع‌گرایی نیز مانند دیگر نظریه‌ها و مکاتب روابط بین‌الملل دارای یک سری مفروضات است که به شرح ذیل عبارت‌اند از:

۱- مفروضه اول بر آنارشیک بودن نظام بین‌الملل تأکید دارد. به عقیده والتز طبیعت آنارشیک نظام بین‌الملل، ویژگی اساسی حیات سیاست بین‌الملل است. در صورتی که سیاست داخلی متمرکز است، کثرت حاکمیت دولت‌ها منجر به نبود اقتدار مرکزی در نظام بین‌الملل شده است (Waltz, 1979: 88,89) نبود یک قدرت جهت مدیریت یا اداره منازعات طرفین که همیشه آنها را از کاربرد زور منع کند در واقع ویژگی نظام بین‌الملل است. آنارشی یا عدم وجود حکومت به معنی وقوع خشونت است (Waltz, 1979: 103). مطابق با این فرض هرج و مرج گونه بودن به معنی بی‌نظمی نظام بین‌الملل نیست؛ بلکه به آن معنی است که هیچ‌گونه قدرت برتری به‌منظور ایجاد قواعد و رویه‌های قانونی وجود ندارد (عبدالله خانی، ۱۳۸۳: ۶۳).

آنچه به عنوان آنارشی مد نظر نظریه پردازان روابط بین‌الملل است دو اصل را در بر می‌گیرد؛ نخست: آنارشی بر این فرض استوار است که سیاست بین‌الملل از حاکمیت دولت-ملت‌ها تشکیل شده است و این حاکمیت به هیچ قدرت برتری واگذار نشده است. این فرض موجب استقلال کشور می‌شود و اقتدار مطلق را به دولت-ملت‌ها جهت اداره سرزمین و مردم خود اعطا می‌کند. فرض دوم آنارشی این است که هیچ حکومت جهانی وجود ندارد و به همین دلیل دولت-ملت‌ها حاکمیت خود را به قدرت برتری واگذار نمی‌کنند. به عبارت دیگر قدرتی برتر از حاکمیت دولت-ملت‌ها وجود ندارد و قوه‌ای وجود ندارد که دولت‌ها از آن اطاعت کنند (Weber, 2005: 14). به طور خلاصه آنارشی به معنی نبود اقتدار برتر جهت حفاظت از دولت‌ها و ایجاد نظم میان آنهاست (Weiss and Daws, 2007: 44).

۲- مفروضه دوم واقع‌گرایان، انگیزه امنیت و بقا است. دولت‌ها در صحنه بین‌المللی خودبین و قدرت طلب هستند، به این دلیل که نگرانی برجسته دولت‌ها امنیت و بقاست

و این امری الزامی است (Day, 2016: 165). دولت‌ها برای پیگیری اهداف و منافع خود به قدرت نیاز دارند، هدف اساسی دولت‌ها تأمین امنیت و بقا خود در نظام هرج و مرج گونه بین الملل است (Lindemann, 2014: 33). براساس گفته والتز، نظام بین الملل از ساختار و واحدها تشکیل شده است. به علت طبیعت آنارشیک نظام بین الملل و نبود اقتدار مرکزی، دولت‌ها پیوسته با ناامنی مواجهه‌اند، دلیل آن تلاش دولت‌ها برای افزایش امنیت خود است که موجب کاهش امنیت دیگران می‌شود (Waltz, 1388: 618). عدم اطمینانی که در این مواقع به وجود می‌آید موجب مسابقه امنیتی می‌شود. دولت‌ها با افزایش مداوم قدرت خود در پی افزایش امنیت و بقا خود هستند (Waltz, 1990, 736). به عقیده واقع‌گرایان قدرت طلبی دولت‌ها ابزار کلیدی افزایش امنیت است. بازیگران بین المللی برای پیشبرد منافع ملی سود و زیان را محاسبه می‌کنند. در نتیجه هدف اصلی دولت‌ها بقا، و قدرت وسیله دستیابی به آن است (Kay, 2012: 19).

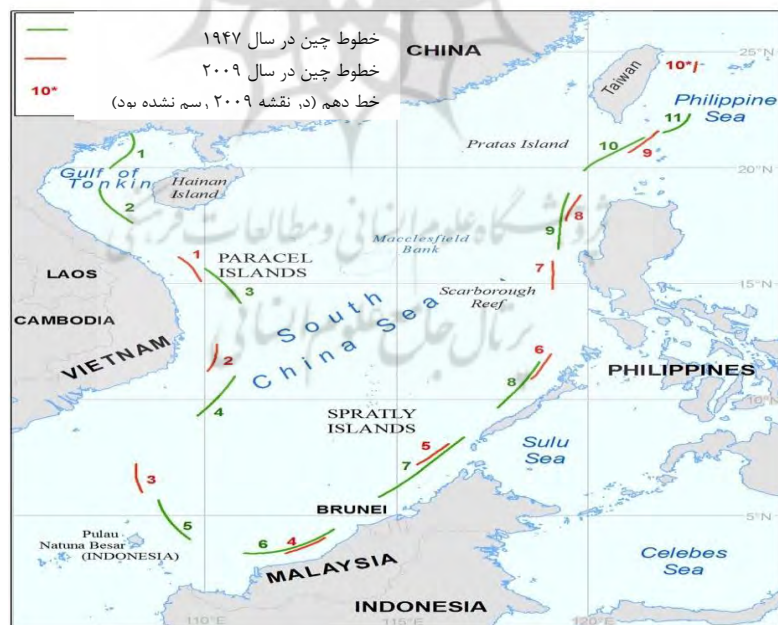
۳- مفروضه سوم: واقع‌گرایان دولت‌ها را بازیگران اصلی روابط بین‌الملل می‌دانند (Lindemann, 2014: 33). نظریه واقع‌گرایی دیدگاهی دولت محور نسبت به روابط بین الملل دارد (Orban, 2008: 9). از نظر آنها بازیگران دیگر از جمله شرکت‌های چندملیتی و به‌طور کلی سازمان‌های غیر حکومتی در چارچوب روابط میان دولت‌ها عمل می‌کنند (Mearshaimer, 2005: 10). بر اساس این رویکرد از آنجا که نمی‌توان از طریق سازمان‌های بین‌المللی و حقوق بین‌الملل صلح برقرار کرد، بنابراین باید از تمهیداتی چون موازنه قدرت و بازدارندگی بهره جست (قوام، ۱۳۹۴: ۲۹۸-۲۹۹).

دولت‌ها بازیگرانی عقلانی و واحد هستند و بازیگران غیر دولتی به واسطه دولت‌ها معنی می‌یابند. به عقیده واقع‌گرایان بازیگران غیر دولتی نمی‌توانند اثر مستقلی بر سیستم بگذارند (Orban, 2008: 10). طبق عقیده واقع‌گرایان سازمان‌های بین‌المللی کمک اندکی در زمینه کشمکش همیشگی قدرت می‌کنند، زیرا این سازمان‌ها نمی‌توانند ذات بشر را که قدرت طلب است تغییر دهند. علیرغم آن سازمان‌های بین‌المللی توسط قدرت‌های بزرگ در راستای تقویت اثرگذاری سیاست‌های خود و تأمین منافع خود به کار گرفته می‌شوند (Rittberger et al., 2012: 16).

به علت اینکه سازمان‌های بین‌المللی مانند سازمان ملل متحد، مستقل از خواست حکومت‌های قدرتمند ظرفیت اجرای قوانین را ندارند، نمی‌توان نقش تصمیم‌گیری موثری را برای آن‌ها در سیاست بین‌الملل در نظر گرفت (Grigsby, 2014: 271-272). دولت‌ها دارای عقلانیتی هستند که سود و زیان هر اقدام را ابتدا سنجیده و در صورت مفید ارزیابی کردن آن، به انجام عمل می‌پردازند (مشیرزاده، ۱۳۸۳: ۸۳۰). در این میان نهادهای بین‌المللی اعتبار چندانی ندارند و چون ضمانت اجرایی در پشتیبانی از تصمیمات آن‌ها به‌جز پاداش و تنبیه وجود ندارد، برخی کشورها از اقدام در چارچوب آن خودداری می‌کنند.

۳. سیاست پکن در دریای جنوبی چین

چندین کشور در پیرامون دریای جنوب چین، ادعای مالکیت دارند. برخی از این اختلافات ارضی، منطقه را به چالش‌زا ترین نقطه آسیا مبدل کرده است. در این راستا هم جمهوری خلق چین و هم تایوان تقریباً با تمامی کشورهای مدعی سرزمینی اختلاف دارند و چین با ترسیم «خطوط ۹ گانه» بر کل منطقه، ادعا دارد و هیچ ادعای دیگری را نمی‌پذیرد (شاهنده، ۱۳۹۵).



اولین نقشه خط مقطع توسط حکومت ملی گرای جمهوری چین در ۱۹۴۷ منتشر شد. آن نقشه خطوطی ۱۱ گانه داشت. گزارش‌های محققان نشان می‌دهد که این نقشه تحت عنوان نقشه جزایر دریای جنوب چین است. منشأ آن نقشه‌ای است که در سال ۱۹۳۵ توسط کمیته بازبینی نقشه‌های زمینی و آبی جمهوری چین منتشر شده است. نقشه‌های چینی که بعد از پایه گذاری جمهوری خلق چین در سال ۱۹۴۹ منتشر شدند از نقشه‌های سابق پیروی کرده‌اند، اما چینی‌ها دو خط در خلیج تونکین را حذف کرده‌اند (US Department of States, 2014: 3).

نقشه خطوط ۹ گانه (U شکل) توسط چین در سال ۲۰۰۹ به سازمان ملل ارائه شد و چین هیچ توضیح قانونی برای این خطوط نداشت. همچنین خطوط هیچ مختصات ثابتی نداشتند. پایه و اساس ترسیم این خطوط، جنوبی‌ترین نقطه دریای جنوب چین به نام «جیمز شول» (James Shoal) بود (Keyuan, 2009: 177). در اصل خطوط ۱۱ گانه بود، ۲ خط در خلیج تونکین بدون توضیح در ۱۹۴۹ حذف شد و در ۲۰۱۳، ۱ خط به خطوط در شرق تایوان افزوده شد و نقشه خطوط ۱۰ گانه توسط مطبوعات چینی منتشر شد (US Department of States, 2014: 3-6). مطابق با تصویر ذیل خطوط از شرق ویتنام شروع شده، تا جنوب کشور تایوان ادامه دارد و تقریباً بخش بزرگی از مناطق انحصاری اقتصادی ۶ کشور را به نسبت‌های مختلف در بر می‌گیرد. منطقه انحصاری اقتصادی براساس کنوانسیون حقوق دریا‌های سازمان ملل متحد ۲۰۰ مایل دریایی را شامل می‌شود. مطابق با کنوانسیون دولت‌های ساحلی حق مالکیت نسبت به ۲۰۰ مایل دریایی را دارند، که جستجو و اکتشاف تمام منابع از جمله زنده را نیز شامل می‌شود. چین در سال ۱۹۹۶ این کنوانسیون را تصویب و امضا کرد، اما خطوط نه گانه تعهدات چین نسبت به کنوانسیون را نقض می‌کند (Shicun and Keyuan, 2016: 148).



نقشه خطوط ۹ گانه چین بدون توجه به حقوق بین الملل ارائه شد و ویتنام و فیلیپین نسبت به ادعای چین اعتراض کردند؛ زیرا ۸۰ درصد دریای جنوب چین را در بر می‌گرفت که منطقه انحصاری اقتصادی این دو کشور را نیز شامل می‌شد (Chau and Kane, 2014: 131). این حرکت چین موجب نگرانی چندین کشور آسه آن شد، مخصوصاً فیلیپین، ویتنام، مالزی و برونئی نیز دعوی مقابله جویانه ای داشتند (Kassim, 2016: 66). تاریخ مهم‌ترین دلیل سیاست ادعای سرزمینی حکومت چین نسبت به دریای جنوب چین است. با وجود آن چین کنوانسیون حقوق دریاها سازمان ملل در ۱۹۹۶ را پذیرفته است که در آن بیشتر ادعاهای سرزمینی بر اساس تاریخ رد شده است. ادعای حکومت چین اشاره به کشف اولیه و اجلاس ۱۹۵۱ سانفرانسیسکو دارد که از

ژاپن درخواست کرد برخی جزایر در دریای شرق چین را به جمهوری خلق چین بازگرداند. رهبران چین نیز به صورت مکرر از اصل تاریخی برای وحدت و مشروع سازی اعمال خود استفاده می کنند (Wathanatidpong, 2015: 45,46).

۱-۳. آنارشی، اصل منازعه در دریای جنوب چین

بر اساس اظهارات مقامات چین جزایر دریای جنوب چین به وسیله قدرت های بزرگ با معاهدات ناعادلانه از چین گرفته شده است. مانند جزایر اسپراتلی که به مدت دو هزار سال بخش جدایی ناپذیر از چین بوده است. این استدلال برگرفته از نسخ خطی، سکه و سفال های باقی مانده از چین باستان است که در آن ها ادعای چین نسبت به جزایر اسپراتلی تقویت می شود. سفر دریایی خاندان هان و مینگ به جزایر اسپراتلی این مسئله را بیشتر تقویت می کند. در قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰، چین نسبت به اسپراتلی و پاراسل ادعا می کرد. در ۱۹۷۴، چین ادعای خود نسبت به جزایر پاراسل را با باز پس گیری آن ها از ویتنام به مرحله اجرا گذاشت. چین این جزایر را بخشی از استان جزیره ای هاینان می خواند (Teshu, 2012: 5). درگیری ای که ۱۹۷۴ در پاراسل اتفاق افتاد ظاهراً به علت ادعای همه جانبه ویتنام جنوبی بر جزایر اسپراتلی در ۱۹۷۳ بود. ویتنام اقتدار خود بر جزایر اسپراتلی را با الحاق آن به سیستم جمهوری ادعا کرده بود، و سپس صدها نیروی نظامی را به جزایر اسپراتلی و نامیت (Namyit) فرستاد که بزرگ ترین جزایر از مجمع الجزایر اسپراتلی هستند. ۴ ماه بعد از الحاق رسمی، چین عمل ویتنام را به عنوان "نقض گستاخانه تمامیت ارضی و حاکمیت سرزمینی چین" محکوم کرد و به طور رسمی ادعای مجدد خود نسبت به تمامی جزایر و منابع معدنی دریای جنوب چین را اعلام کرد.

در اوایل ژانویه ۱۹۷۴ پکن، ویتنام را تهدید کرد، در صورتی که نیروهای خود را از اسپراتلی خارج نکند برخورد نظامی صورت خواهد گرفت. در ادامه چین ادعای خود نسبت به جزایر را با کاشت پرچم در چند جزیره نشان داد. در مقابل نیروهای دریایی ویتنام دستور داشتند مقاومت کنند که در این میان موجب آزار و کشته شدن چندین ماهیگیر و نظامی در حال خدمت در منطقه شد. چین نیز نیروی دریایی به منطقه اعزام کرد. در طی چند روز درگیری جنبه ای خصمانه به خود گرفت. بلافاصله پس از سقوط

ویتنام جنوبی در ۱۹۷۵، نیروهای دریایی ارتش خلق ویتنام مجدداً برخی از جزایر در غرب پاراسل را اشغال کردند. چینی‌ها، فقط یک جزیره در بخش شرقی را اشغال کردند و سرزمین‌های غربی را برای تصرف آزاد گذاشته بودند. به جز تظاهرات عمومی، چین هیچ اقدام تلافی‌جویانه انجام نداد (US Department of States, 2014).

در سال ۱۹۸۸ چین پاراسل و اسپراتلی را با هم ترکیب کرده و استان جدیدی را تحت عنوان هاینان (Hainan) به وجود آورد ((Bateman and Emmers, 2009: 45). واقعه سختی در سال ۱۹۸۸ اتفاق افتاد، درگیری دریایی‌ای بر سر تپه دریایی جنوب جانسون (Janson South Reef) منجر به کشته شدن ۷۴ نیروی نظامی ویتنام شد (Brown, 2016: 58). نیروی دریایی چین، شامل سه ناو مجهز جنگی نیروهای نظامی ویتنام را به عقب راندند (Bateman and Emmers, 2009: 45).

در این سال، جزیره دیگری نیز به نام تپه دریایی کولین (Colin Reef) توسط چین مورد تجاوز قرار گرفت که متعلق به ویتنام بود. چین از ۴ کشتی جنگی برای حمله و نابودی یک کشتی باری نیروی دریایی ویتنام شمالی کمونیست استفاده کرد، سپس سربازان چینی برای اشغال جزیره پیاده شدند. در این درگیری ۶۴ سرباز ویتنام شمالی مفقود شدند که اغلب مهندس و غیر مسلح بودند (Vuong, 2013: 38). در حال حاضر چین تمام مجمع‌الجزایر پاراسل را کنترل می‌کند. کنترل بخش شرقی پاراسل را در ۱۹۵۶، بخش غربی را در ۱۹۷۴ به دست گرفت. اولین جای پا در جزایر اسپراتلی را در سال ۱۹۸۸ به دست آورد. از آن‌پس کنترل خود بر تپه‌های دریایی و مجمع‌الجزایر را به صورت مداوم گسترش می‌دهد (Kivimaki, 2002: 28).

قبل از سال ۱۹۹۴، چین به دنبال سیاستی دوجانبه در دفاع از ادعای خود بود. در مورد ادعای خود در مقابل ویتنام، از بحث و جدل استفاده می‌کرد، و اغلب به دنبال اقدام اساسی برای به اجرا درآوردن ادعای خود بود. در مقابل فیلیپین، مالزی و برونئی، ادعای خود را عمدتاً محدود به تکرار کلامی بدون هیچ‌گونه اقدام اساسی به زیان این کشورها می‌کرد. دوره بعد از ۱۹۹۴، چین با اعتماد به نفس بالاتر، از قدرت نظامی و اقتصادی خود، آگاه و خواهان استفاده از این قدرت در تعقیب اهداف ژئوپلیتیکی خود است.

در سال ۱۹۹۲، ویتنام چین را به خاطر پیاده کردن نیرو در تپه دریایی دالاک (Daluk Reef) محکوم کرد. چین تقریباً ۲۰ کشتی باری ویتنام را که در حال حمل کالا از هنگ‌کنگ بودند، ضبط کرد (Lowther, 2013: 121). درگیری بیشتری بین دو طرف در ۱۹۹۵ بر سر اکتشاف ۳ قسمت دارای نفت رخ داد. در سال ۱۹۹۷، نیروی دریایی فیلیپین به یک قایق چینی دستور داد ساحل اسکاربورو (Scarborough Shoal) را ترک کند و سپس پرچم فیلیپین را در جزیره برافراشت. چین در مقابل کشتی‌هایی را برای تصرف جزایر مورد ادعای فیلیپین به نام‌های پاناتا (Panata) و کوتا (Kota) فرستاد. نیروی دریایی فیلیپین دریانوردان چینی را در نزدیکی ساحل شوال (Shoal) در سال ۱۹۹۸ دستگیر کرد (Yoshihara and Holmes, 2007: 173, 174).

در سال ۱۹۹۸ سربازان ویتنامی به یک قایق ماهیگیری فیلیپینی نزدیک تپه دریایی تننت (Tennent Reef) شلیک کردند که باعث شد ماهیگیران فیلیپینی زخمی شوند. در ۱۹۹۹ کشتی‌های نیروی دریایی چین به علت آزار یک کشتی نیروی دریایی فیلیپین بعد از توقف در نزدیکی جزایر اسپراتلی محکوم شد. در همین سال ۲ قایق ماهیگیری فیلیپین پس از برخورد با ناو جنگی چین در نزدیکی ساحل اسکاربورو غرق شدند. در سال ۲۰۰۰ نیروهای فیلیپین به ماهیگیران چینی در نزدیکی آب‌های فیلیپین، در جزیره پالاوان شلیک کردند که یک نفر کشته و ۷ نفر دستگیر شدند (Fels and Vu, 2016: 527,528). در سال ۲۰۰۲، نیروهای ویتنامی چند شلیک برای هشدار به هواپیماهای شناسایی نظامی فیلیپین که بر فراز اسپراتلی پرواز می‌کردند داشتند (Rongxing, 2012: 154).

محققان موارد زیادی از درگیری‌های نظامی بین چین و دیگر کشورها را شناسایی کرده‌اند؛ برای مثال، درگیری با قایق‌های ماهیگیری ویتنام در نزدیکی جزیره هاینان در سال ۲۰۰۵، یا غرق شدن یک قایق ماهیگیری در جزایر اسپراتلی به وسیله قایق گشتی نیروی دریایی چین (یکی از اعضای خدمه قایق کشته شد) در سال ۲۰۰۷ (Esch et al., 2014: 75). بین سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۰، چین ۶۳ قایق ماهیگیری و ۷۲۵ ماهیگیر ویتنامی را دستگیر کرده است. درگیری‌های جدی‌ای شامل شلیک یا حمله برای غرق قایق‌های ویتنامی صورت گرفته است. درحالی‌که ماهیگیران ویتنامی از دسترسی به بسیاری مکان‌های دارای ماهی محروم هستند، کشتی‌های ماهیگیری چین، توسط

کشتی‌های لجستیک مدرن فعالیت‌های خود در دریای جنوب چین را گسترش می‌دهند (Buszynski and Roberts, 2015: 98). چین حتی در مواردی برای کشتی‌های ایالات متحده نیز مشکلاتی را به وجود آورده است. در سال ۲۰۰۹، یک کشتی تحقیقاتی نیروی دریایی ایالات متحده توسط قایق‌های چینی در منطقه انحصاری-اقتصادی چین مورد آزار قرار گرفت (Rongxing, 2012: 154). در مجمع منطقه‌ای آسه آن که در سال ۲۰۱۰ در هانوی ویتنام برگزار شد بین مقامات چین و ایالات متحده تنش شدیدی شکل گرفت، این تنش در دهه اخیر بی سابقه بود. در نیمه اول سال ۲۰۱۱، حوادث و خیمه‌ی، شامل اقدامات سنگین چین در مقابل اقدامات ماهیگیری و اکتشافی ویتنام و فیلیپین می‌شد، که روابط با هانوی و مانیل را تیره‌تر کرد. به بن بست رسیدن چین و فیلیپین بر سر جزیره اسکاربورو شوال (Scarborough Shoal).

در سال ۲۰۱۲، تنش‌ها را اندکی افزایش داد، و موجب شد فیلیپین تقویت روابط با ژاپن و ایالات متحده را دنبال کند. در همین حال استقرار تجهیزات حفاری (HYSY-981) چین در آب‌های نزدیک جزایر پاراسل در سال ۲۰۱۴، بحرانی دو ماهه را میان هانوی و پکن به وجود آورد ((Storey and Lin, 2016: 47). با افزایش قدرت چین در سال‌های اخیر شاهد افزایش سیاست‌های تهاجمی این کشور در منطقه هستیم، به علت نبود قدرت متعادل‌کننده در منطقه، چین پیوسته به ادعاهای خود مبنی بر مالکیت مسلم دریای جنوب چین ادامه می‌دهد. درگیری‌هایی که در دوره‌های مختلف تاریخی بین چین و کشورهای منطقه به خصوص دو کشور فیلیپین و ویتنام اتفاق افتاده است نشان دهنده عدم وجود قدرتی فائقه برای تنبیه و مجازات کشورهای متجاوز و مجرم است. بر خلاف حوزه داخلی کشورها که با متجاوز برخورد شده و قوه قاهره‌ای برای رسیدگی به زورگویی‌های افراد وجود دارد در عرصه بین‌المللی مشکل فقدان این قوه به دولت‌های قوی‌تر این امکان را می‌دهد که براساس منافع حداکثری خود عمل کنند. اعمال متجاوزانه چین نیز در این راستا قابل تعمیم است. ایالات متحده نیز که تنها ابر قدرت موجود در حال حاضر می‌باشد، سیاست خود در این منطقه را «محور آسیا» نامیده است، اما از درگیری جدی با چین پرهیز می‌نماید و به حمایت از چند کشور منطقه بسنده کرده است.

۲-۳. امنیت و بقا، اصل تجهیز دریای جنوب چین

چین به موجب منابع فراوانی که از طریق توسعه تجارت خارجی موفق در طول چند دهه اخیر به دست آورده، خود را در میان قدرت‌های در حال ظهوری یافته است که می‌تواند حجم عظیمی سرمایه را در راستای افزایش فناوری خود صرف کند. این عمل نه تنها میزان فن‌آوری چین را افزایش می‌دهد، بلکه وابستگی به تأمین‌کنندگان خارجی را کاهش می‌دهد (Kirchberger, 2015: 25).

چین در حال نوسازی بخش‌های مختلف دریایی خود شامل ناوگان دریایی، زیردریایی، هواپیمای جنگنده، موشک، قابلیت‌های راداری و گارد ساحلی است. نیروی دریایی مهم‌ترین حوزه مورد توجه چین است که مسئول تأمین امنیت دریایی و حفظ حاکمیت چین بر دریای سرزمینی خود است. بودجه نظامی که چین رسماً اعلام کرده، دارای رشد میانگین سالانه ۸٫۹ درصد با احتساب تورم تعدیل شده از سال ۲۰۰۶ تا سال ۲۰۱۵ است. در مارس ۲۰۱۵، چین اعلام کرد با افزودن ۲٫۹ درصد تورم تعدیل شده، بودجه نظامی سالانه این کشور ۱۴۴ میلیارد دلار در نظر گرفته شده است. تداوم افزایش هزینه دفاعی سالانه در طول بیش از ۲ دهه چین را به جایگاه دومین کشور جهان از لحاظ بودجه نظامی بعد از ایالات متحده رسانیده است.

توان نظامی کشورهای مدعی با چین قابل مقایسه نیست و موضوع مهمی که می‌تواند مدنظر قرار گیرد مسئله سرقت سایبری چین از کشورهای دیگر مخصوصاً آمریکا و کپی سازی تجهیزات نظامی است. این کشور سعی دارد به صورت مستقل توانایی ساخت تجهیزات خود را بالا ببرد در صورتی که کشورهای مالزی، اندونزی، ویتنام، فیلیپین و برونئی سلاح‌های خود را از کشورهای دیگر حتی از چین خریداری می‌کنند.

چین رشد بودجه دفاعی خود را از ۷ درصد سال گذشته به ۸ درصد در سال ۲۰۱۶ افزایش داده است و کمترین افزایش درصد بودجه در ۶ سال گذشته بوده است (Himanshu, 2016). در سال ۲۰۱۵، چین دومین هزینه نظامی جهان را بعد از ایالات متحده داشت. پکن با وجود کاهش بودجه دفاعی واشنگتن، پیوسته در حال افزایش هزینه‌های نظامی خود است (Singh, 2017: 78). هزینه‌های دفاعی کشورهای مدعی در دریای جنوب چین با چین قابل مقایسه نیست و ارقام تفاوت بین آن‌ها را روشن می‌کند،

ویتنام در سال ۲۰۱۵، ۳ میلیارد و ۳۶۵ میلیون دلار، فیلیپین ۳ میلیارد دلار، اندونزی ۶ میلیارد و ۹۰۰ میلیون دلار و مالزی ۴ میلیارد و ۷۰۰ میلیون دلار هزینه دفاعی صرف کرده‌اند. این در حالی است که هزینه دفاعی چین در این سال نزدیک به ۱۸۰ میلیارد دلار بوده است و رقمی است که به مراتب از جمع هزینه دفاعی تمام کشورهای عضو آسه آن بیشتر است.

چین یک باند فرود نظامی توانمند (VLFS) و بندری در تپه دریایی صلیب آتشین (Fiery Cross Reef) ساخته است. چین ادعا می‌کند، کشورهای دیگر باید برای کشتی‌های خود در محدوده مورد ادعای چین درخواست حقوق حمل و نقل کنند. استقرار سیستم موشک‌های دوربرد زمین به هوا ۹HQ در جزیره وودی (Woody Island) از گروه جزایر پاراسل توسط چین، گمانه‌زنی‌هایی را در مورد اینکه چین در حال انجام چه کاری است در پی داشته است. این سیستم دفاعی برای ردیابی و انهدام اهداف هوایی از جمله هواپیما و موشک‌های کروز با برد ۳۰۰ کیلومتر و ارتفاعی حدود ۲۳۰۰۰ فوت است (Bhadrakumar, 2016). چین همچنان به تولید زیردریایی‌های (JIN) مجهز به موشک‌های بالستیک هسته‌ای (SSBN) ادامه می‌دهد؛ ۴ زیردریایی به کار گرفته شده و یک عدد دیگر در حال ساخت است. این نوع زیردریایی‌ها موشک‌هایی با برد ۷۲۰۰ کیلومتر را حمل می‌کنند و مجموعاً به ارتش چین برای اولین بار قابلیت موشک‌های دوربرد هسته‌ای دریایی را می‌دهد. این زیردریایی‌های مستقر در جزیره هاینان (Hainan) در دریای جنوب چین قابلیت بازدارندگی هسته‌ای را به چین خواهد داد (US Department Of Defense, 2016).

چین در حال ساخت ناو هواپیمابر جنگی است و قصد دارد نه تنها آن‌ها را در دریای مورد منازعه شرق و جنوب چین مستقر کند، بلکه منافع خارجی کشور را نیز تأمین کند. وزارت دفاع در سال ۲۰۱۶، ساخت دومین ناو هواپیمابر چین را که اولین محصول کاملاً چینی است تأیید کرد. چین همچنین در حال ساخت تعداد زیادی قایق گشت زنی برای گارد ساحلی خود است. این عملی شبه‌نظامی محسوب می‌شود که اغلب برای حمایت و دفاع از ادعاهای دریای سرزمینی در شرق و جنوب دریای چین صورت می‌گیرد. چین در حال توسعه فرودگاه‌های خود در دریای جنوب چین، علی‌رغم در اختیار داشتن

فرودگاه جزیره وودی، در جزایر پاراسل و نزدیک به ۳ فرودگاه جدید در جزایر اسپراتلی است. تمام این فرودگاه‌ها باندی به اندازه کافی طولانی دارند تا از هر نوع هواپیمای چینی پشتیبانی کنند. در اکتبر ۲۰۱۵ طرح استقرار ۴ هواپیمای عظیم جنگی (B11J) اجرا شد. چین همچنین با به‌کارگیری ۳ هواپیمای قادر به سوخت‌گیری هوایی MIDAS78IL توانایی نیروی هوایی خود را برای اقدامات هواپیماهای جنگی با محدوده زمانی طولانی‌تر در دریای شرق و جنوب چین افزایش خواهد داد (Department Of Defense, 2016). مقامات مسئول چینی اظهار می‌کنند که چاره دیگری جز افزایش حضور خود برای رفع نیازهای جامعه ندارند. جمعیت ۱,۴ میلیاردی چین و نیاز به تأمین نیازهای اولیه این جمعیت علت اعمال چین معرفی می‌شود. با توجه به مطالب بالا در مورد تجهیز و افزایش ابزارهای جنگی و هم‌چنین جزایر دریای جنوب چین می‌توان گفت، چین به علت افزایش سطح امنیت خود، پیوسته به بودجه نظامی خود می‌افزاید و در پی کسب قدرت بیشتر در حال گسترش حضور خود در دریای جنوب چین است. به علت عدم پیش‌بینی پذیر بودن عرصه بین‌المللی کشورها برای افزایش سطح امنیت خود سعی می‌کنند با دیگر کشورهای قدرتمند پیمان‌هایی را برای دفاع در برابر متجاوزین انعقاد کنند، اما اگر این کشورها بخواهند خود به عنوان ابرقدرت در صحنه بین‌الملل حاضر شوند باید بتوانند نیازهای امنیتی و دفاعی خود را به صورت حداکثری تأمین کنند؛ زیرا کشوری که برای تأمین امنیت خود به دیگران وابسته باشد نمی‌تواند قدرت قابل ملاحظه‌ای به دست آورد. چین به دلیل عدم ثبات بین‌المللی و همچنین محتمل بودن جنگ و در خطر بودن امنیت و بقا خود، پیوسته به دنبال افزایش قدرت نظامی است.

۳-۳. دولت (بازیگر اصلی)، اصل بی‌اعتنایی به حقوق بین‌الملل

بر اساس کنوانسیون حقوق دریاها (۱۹۸۲)، هر کشور اقتدار کاملی بر کنترل آب‌های داخلی خود دارد، با این حال دولت‌ها اغلب در دریای سرزمینی اقتدار مطلق کنترل را دارند، به استثنا کشتی‌های خارجی که حق عبور بی‌ضرر دارند. همچنین کشورها حق دعوی نسبت به ۲۰۰ مایل دریایی خود را به عنوان منطقه انحصاری-اقتصادی دارند (Young, 2007: 131). تمام کشورهای مدعی از جمله؛ چین، اندونزی، فیلیپین، ویتنام،

مالزی و بروئی در سال ۱۹۹۶ کنوانسیون مذکور را به امضا رساندند، اما برخی از این کشورها از آن برای گسترش یکجانبه قلمرو حاکمیت و توجیه ادعاهای خود در دریای جنوب چین سوء استفاده می‌کنند. کشورهای مدعی از ابزارهای نظامی جهت کنترل جزایر و تپه‌های دریایی مورد دعوی کشورهای دیگر استفاده می‌کنند، و اختلاف بر سر سرزمین‌های مورد منازعه ادامه دارد. تصرف تپه دریایی نویگیتور (Navigator Reef) توسط مالزی که مورد دعوی فیلیپین است، روابط با مانیل را تیره کرد، و چین و بروئی و ویتنام این اقدام را سرزنش کردند. در سال ۲۰۰۴ نیز ویتنام ساخت مجدد باند فرودگاهی را جهت ارسال گروه کوچکی از گردشگران ویتنامی در جزیره مورد منازعه اسپراتلی شروع کرد، چین قاطعانه از این حرکت ویتنام انتقاد کرد (Guan and Skogan, 2007: 50,53). در ششمین نشست چین و آسه آن که در سال ۲۰۰۲ برگزار شد، چین و همسایه‌های آسیای جنوب شرقی نسبت به اعلامیه اخلاقی طرفین دریای جنوب چین توافق کردند (Goldstein, 2005: 123).

اولین اقدام جهت تشکیل گفتگوی چندجانبه، کارگاه‌هایی برای مدیریت منازعات بالقوه دریای جنوب چین بود که در سال ۱۹۹۰ آغاز شد. این کارگاه‌ها پروژه تحت حمایت اندونزی بود که توسط کانادا تأمین مالی می‌شد و تمرکز آن‌ها بر اعتماد سازی در مسائل دریایی بود. در دومین کارگاه که در سال ۱۹۹۱ در باندونگ برگزار شد، ۶ کشور آسه آن، چین، تایوان، لائوس و ویتنام گرد هم آمدند. در سال ۱۹۹۲ وزرای امور خارجه آسه آن اعلامیه دریای جنوب چین را در مانیل امضا کردند. در نشست غیر رسمی آسه آن در سال ۱۹۹۹، فیلیپین با حمایت ویتنام، منشور اخلاقی (رفتاری) جدیدی را ارائه داد. مبنای این منشور مدیریت صلح آمیز دریای جنوب چین بود. و در نهایت وزرای امور خارجه آسه آن و معاون وزیر امور خارجه چین در سال ۲۰۰۲ اعلامیه اخلاقی طرفین دریای جنوب چین را امضا کردند (Guan and Skogan, 2007: 55-56).

اعلامیه رفتاری (اخلاقی) آسه آن و چین باهدف حفظ صلح و ثبات در منطقه جنوب چین به امضا رسید. در اعلامیه، چین و آسه آن بر الزام توسعه محیطی هماهنگ، دوستانه و صلح‌آمیز بین آن‌ها برای افزایش صلح، ثبات، رشد و شکوفایی اقتصادی در منطقه دریای جنوب چین تأکید کردند. پایبندی به اصول کنوانسیون حقوق دریاهای

سازمان ملل نیز یکی از ۱۰ اصل اساسی اعلامیه را در بر می‌گیرد. این اعلامیه صرفاً نتیجه رضایت بخشی برای طرفین بود، همانطور که چین از امضاء هر استاندارد محدود کننده هنجاری خودداری کرد (Fels and Vu, 2016: 378). از سال ۲۰۰۴ چین با تردید و وقفه با آسه آن نسبت به ایجاد چارچوب مشترکی برای حل منازعات دریای جنوب چین کار می‌کند. گروه مشترک کاری چین و آسه آن جهت تکمیل دستورالعمل اعلامیه رفتاری آسه آن-چین ۱۵ بار تشکیل جلسه داده است، اما فرآیندی که تا کنون داشته چندان نتایج ملموسی را در بر نداشته است. در آسه آن نسبت به تاکتیک خرید وقت پکن انتقادات افزایش یافته است. در مورد آسه آن حتی فقدان اجماع درونی بین اعضا آن وجود دارد (Gerstl and Strašáková, 2017: 183). با اینکه اعلامیه میزان درگیری بین طرفین را کمتر کرد، اما هنوز درگیری‌هایی بر سر فعالیت‌های ماهیگیری، حقوق اکتشاف منابع و درگیری‌های غیرنظامی در منطقه وجود دارد.

در اعلامیه اخلاقی طرفین دریای جنوب چین آمده است؛ طرفین تعهد خود نسبت به اهداف و اصول منشور ملل متحد، کنوانسیون حقوق دریاهای سازمان ملل متحد، پیمان مودت و همکاری در آسیای جنوب شرقی، پنج اصل همزیستی مسالمت آمیز، و دیگر اصول به رسمیت شناخته شده حقوق بین الملل که باید به عنوان هنجارهای اساسی حاکم بر روابط دولت‌ها عمل کنند را اعلام می‌دارند. یکی از راه‌های حل اختلافات بین طرفین بر اساس حقوق بین الملل، ارجاع دعوی به دادگاه و داوری بی طرف بین المللی می‌باشد و یکی از اصول اساسی حقوق بین الملل احترام به رأی داوری بی طرف می‌باشد. فیلیپین در سال ۲۰۱۳ بعد از اینکه چین کنترل جزیره اسکارپورو در ۱۶۰ مایلی این کشور را به دست گرفت به دادگاه بین المللی شکایت کرد. فیلیپین نقض حقوق بین الملل توسط چین با اعمالی چون، درگیری با ماهیگیران، به خطر انداختن کشتی‌ها و برهم زدن محیط دریایی در جزیره را محکوم کرد. اما فیلیپین پا را فراتر گذاشته، از دادگاه بین المللی درخواست رد ادعای حاکمیت چین بر آب‌های خطوط نه‌گانه را که در نقشه رسمی خود اظهار کرده بود، داشت. دادگاه بین المللی اظهار می‌دارد مبنای قانونی برای خطوط قانونی وجود ندارد و نتیجتاً چین به صورت غیرقانونی جزیره‌ای مصنوعی را در آب‌های فیلیپین ساخته است (Perlez, 2016). در همین راستا چین متنی را جهت اعلام

موضع خود در سال ۲۰۱۴ منتشر کرد، چین مدعی شد که دیوان صلاحیت رسیدگی به این پرونده را ندارد. براساس متن، دیوان داوری بدون صدور حکمی نسبت به حاکمیت سرزمینی، توانایی تعیین میزان ادعای چین در دریای جنوب چین مطابق با قرارداد را ندارد. بنابراین، چین معتقد است اعلامیه رفتاری سابقاً سازوکاری را برای حل و فصل درگیری‌ها، تحت عنوان مذاکرات دوجانبه مشخص کرده است و هم اکنون در حال اجراست. دیوان به حق چین جهت گزینش برنامه‌ای برای حل درگیری که با آن موافق است احترام نگذاشته است (Institute for Strategic Studies, 2015: 95).

چین در ۲۰۱۴ این یادداشت را خطاب به دیوان داوری فرستاد، و در آن اعلام داشت؛ نباید به این یادداشت به عنوان پذیرش چین برای شرکت در روندها نگرسته شود (Shicun and Keyuan, 2016: 3,4). چین همچنین در هیچکدام از جلسات دیوان شرکت نکرد. آشکارا واضح بود که دیوان به نفع فیلیپین رأی خواهد داد و در ۱۲ جولای سال ۲۰۱۶ رأی به نفع فیلیپین صادر شد (Dittmer and Ngeow, 2017: 9). چین نیز از پذیرش رأی خودداری کرد (Henriksen, 2017: 246). این رأی، اکثر ادعاهای چین را که شامل حق تاریخی و صحت خطوط ۹ گانه بود رد کرد. همچنین رأی نقض حقوق ماهیگیری و حقوق حاکمیت فیلیپین بر منابع زنده و غیر زنده را تأیید می‌کرد. چین نیز اعتبار دیوان و رأی آن را به رسمیت نشناخت (Davies et al., 2016: 238-239). سازوکار دیوان برخلاف نظام داخلی کشورها به گونه‌ای است که تصمیمات آن دارای الزام اجرایی نیست، اما در عرف بین‌الملل در صورت عدم تمکین اعتبار بین‌المللی کشورها زیر سؤال می‌رود. گراهام الیسون در مقاله‌ای اظهار می‌کند هیچ‌یک از ۵ عضو دائم شورای امنیت سازمان ملل هیچ‌گاه حکم دادگاه‌های بین‌المللی را زمانی که منافع امنیت ملی یا حاکمیت آن‌ها را نقض کرده است نپذیرفته‌اند. الیسون معتقد است، وقتی چین تصمیم دادگاه را در این مورد نمی‌پذیرد، کاری را انجام می‌دهد که دیگر قدرت‌های بزرگ مکرراً در طول دهه‌های گذشته انجام داده‌اند (Heydarian, 2016).

اعضای آسه آن نیز سعی دارند اعلامیه اخلاقی آسه آن را به منشور اخلاقی تبدیل کنند. پس از سال‌ها مذاکره، کامبوج در سال ۲۰۱۲ به عنوان محل اجتماع آسه آن انتخاب شد، اما کامبوج به دلیل روابط نزدیکی که با چین دارد و ترس از خارج کردن سرمایه

چین از این کشور تشکیل منشور اخلاقی آسه آن را وتو کرد و از گفتگو در مورد دریای جنوب چین به دلیل درخواست پکن امتناع ورزید (Bae and Ku, 2013: 173). در صحنه بین‌المللی به دلیل عدم وجود ضمانت اجرای قانونی کشورها اگر موردی از حقوق بین‌الملل را به زیان خود ببینند از اجرای آن سرباز می‌زنند و این نشان از بازیگر اصلی بودن دولت‌ها در این فضا است. تنها ضمانت اجرایی که در عرصه بین‌الملل وجود دارد، اعتبار و وجهه بین‌المللی است. کشوری مثل چین به دنبال ظهوری مسالمت آمیز است، اما این سیاست پکن تا جایی در الویت است که تضاد شدیدی با منافع این کشور نداشته باشد.

نتیجه‌گیری

چین به واسطه قدرت در حال کسب و افزایش توان خود به دلایل چندی نسبت به دریای جنوب چین ادعای حاکمیت مسلم دارد که از آن جمله می‌توان به دارا بودن نزدیک به ۱۱ میلیارد بشکه ذخایر تثبیت شده نفت خام، ۱۰ درصد از تولیدات ماهی جهان، ۱۹۰ تریلیون فوت مکعب که می‌تواند نزدیک به ۱۰۰ سال نیاز وارداتی گاز چین را تأمین کند، اشاره کرد. چین با توجه به ادعای خود اعمالی را انجام می‌دهد که می‌توان آن اعمال را با مفروضاتی از نظریه واقع‌گرایی تطبیق داد. واقع‌گرایان مهم‌ترین مفروضه خود را آنارشیک بودن عرصه بین‌المللی می‌دانند. در مورد این مفروض می‌توان به درگیری‌های چین با کشورهای آسیای جنوب شرقی در دوره‌های تاریخی مختلف بالأخص فیلیپین و ویتنام اشاره کرد که به دلیل نبود یک قدرت برتر در صحنه بین‌المللی جهت مجازات کشور خاطی حقوق بین‌الملل، شاهد انجام مکرر اعمالی چون: تجاوز، دستگیری، درگیری و خونریزی از سوی این کشورها هستیم. در مورد فرض دوم واقع‌گرایان که مربوط به بقا و امنیت است واقع‌گرایان معتقدند کشورها در عرصه بین‌الملل برای افزایش ضریب امنیت ملی خود پیوسته به دنبال افزایش قدرت‌اند، که در این مورد چین به احیاء جزایر مختلفی پرداخته تا بتواند تجهیزات نظامی خود را در این جزایر مستقر کند و به این ترتیب حوزه نفوذ و همچنین حضور خود را گسترش دهد. در این راستا چین به مدرنیزه کردن و افزایش بودجه نظامی سالانه به‌طور متوسط ۱۰ درصد می‌پردازد و این نگرانی آمریکا، ژاپن و دیگر کشورها را برای نظامی کردن دریای

جنوب چین در پی داشته است. استقرار سامانه‌های موشکی در جزایر مختلف و همچنین احیای جزایر برای افزایش حوزه عمل خود عامل دیگر برای تطبیق این مفروض با عمل چین است. و اما آخرین مفروضی که در این مقاله مورد بررسی قرار گرفت این است که واقع‌گرایان معتقدند دولت‌ها بازیگران اصلی صحنه بین‌المللی‌اند و نهادهای غیردولتی تا جایی می‌توانند متمر ثمر باشند که با منافع دولت‌ها در تضاد نباشند و یا حداقل تضاد شدیدی نداشته باشند. در مورد این مفروض باید به اعمال چین بعد از امضای کنوانسیون حقوق دریاهای سازمان ملل اشاره کرد. هرچند کشورهای زیادی از جمله چین این کنوانسیون را امضا کرده‌اند، اما از اجرای کامل آن خودداری کرده و بیشتر به دنبال منافع ملی خود هستند. خطوط ۹ گانه چین نقض آشکار این کنوانسیون است و مورد دیگر اعلامیه اخلاقی آسه آن است که چین و ۱۰ کشور آسه آن، در سال ۲۰۰۲ آن را امضا کرده‌اند و مطابق آن اعضا نباید از خشونت علیه یکدیگر استفاده کنند، اما باز هم نتوانسته است مانعی بر سر راه منافع ملی کشورها باشد.

عدم تمکین چین از رأی دادگاه بین‌المللی در راستای شکایت فیلیپین در سال ۲۰۱۶ نیز نشان‌دهنده عدم توانایی نهادهای بین‌المللی است. پیش‌بینی می‌شود چین به افزایش هزینه‌های نظامی برای تأمین امنیت این کشور ادامه دهد و به نسبت قدرت خود خواهان کسب سهم بیشتری از قدرت جهانی باشد. به نظر نمی‌رسد با روند یکجانبه‌گرایی چین، نظامی‌گری و استقرار تجهیزات نظامی بیشتر در این منطقه و جزایر آن، کشورهای مدعی روندی از مذاکرات و حل و فصل اختلافات را در آینده‌ای نزدیک پیش رو داشته باشند. بی‌اعتمادی تاریخی و عدم برنامه‌ریزی در راستای اعتمادسازی در میان طرفین، کشورهای منطقه را به سمت افزایش قدرت نظامی خود سوق می‌دهد. همانگونه که چین پیوسته در حال توسعه و گسترش موشک‌های زمین به هوا و ضد کشتی مختلف در جزایر دریای جنوب چین است، نمی‌توان انتظار حل و فصل منازعات را داشت.

چین با وجود اینکه برای رفع مشکل «تصور تهدید» نزد همسایگان خود در زمینه‌های اقتصادی و فرهنگی اقدامات مثبتی از طریق دیپلماسی پیرامونی و دکترین «همسایه خوب»، انجام داده است، اما در عرصه ژئوپلیتیک، ماهیت سیاست قدرت مانع جدی در زمینه همگرایی در سطح منطقه‌ای بوده است. حساسیت شدید پکن در قبال موضوعات

حاکمیتی و امکان واکنشهای سریع و غافلگیرکننده، گویای وجود و تداوم زمینه‌های اختلاف در سطح منطقه‌ای می‌باشد.

منابع

بلوچی، حیدرعلی. ۱۳۸۹. قدرت افکنی چین، فصلنامه راهبرد دفاعی، شماره ۳۰، صص ۱-۲۶.
سازمند، بهاره و ارغوانی پیرسلامی، فریبرز. ۱۳۹۱. چالش‌های ژئوپلیتیک منطقه‌ای و دکترین ظهور مسالمت آمیز، فصلنامه روابط خارجی، سال ۴، شماره ۲، صص ۱۴۶-۱۷۸.
سازمند، بهاره و ارغوانی پیرسلامی، فریبرز. ۱۳۹۱. چین و چالش تصور تهدید در جنوب شرق آسیا، فصلنامه سیاست، دوره ۴۲، شماره ۳، صص ۱۶۵-۱۸۴.
سلیمانپور، هادی. ۱۳۹۵. چین در میانه دو قاره، فصلنامه روابط خارجی، سال ۸، شماره ۳، صص ۱۴۶-۱۷۹.

شاهنده، بهزاد. ۱۳۹۵. دریای جنوب چین؛ معضلی چالش‌زا، روزنامه ایران در سایت:

<http://iran-newspaper.com/newspaper/page/6238/20/136136/>

عبدالله خانی، علی. ۱۳۸۳. نظریه‌های امنیت، مقدمه‌ای بر طرح ریزی دکترین امنیت ملی ۱، تهران، انتشارات موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.

قوام، عبدالعلی. ۱۳۹۴. اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل، تهران، انتشارات سمت.

متقی، افشین و کامران دستجردی، حسن. ۱۳۹۴. ژئوپلیتیک و واقع‌گرایی - مورد: گفتمان سیاست خارجی چین، فصلنامه جغرافیا، شماره ۴۵، صص ۵-۳۰.

مشیرزاده، حمیرا. ۱۳۸۳. واقع‌گرایی، لیبرالیسم و جنگ آمریکا علیه عراق، فصلنامه سیاست خارجی، شماره ۳.

هیوود، اندرود. ۱۳۸۹. سیاست، ترجمه عبدالرحمان عالم، تهران، نشر نی.

Bae, Jung-Ho. Ku, Jae H. 2013. **China's Internal and External Relations and Lessons for Korea and Asia**, South Korea, Institute for National Unification.

Bateman, Sam. Emmers, Ralf. 2009. **Security and International Politics in the South China Sea: Towards a Co-operative Management Regime**, London and New York, Rutledge.

Bhadrakumar, M.K. 2016. **The Woody Island fracas is not about Chinese missiles**, Asia Times, at: <http://www.atimes.com/article/the-woody-island-fracas-is-not-about-chinese-missiles/>

Brown, James D. J. 2016. **Japan, Russia and Their Territorial Dispute: The Northern Delusion**, London and New York, Rutledge.

- Chau, Donovan C. Kane, Thomas M. 2014. **China and International Security: History, Strategy, and 21st-Century Policy**, USA, Praeger.
- Day, Michael A. 2016. **The Hope and Vision of J Robert Oppenheimer**, Singapore, World Scientific Publishing Co.
- Davies, Gloria; Goldkorn, Jeremy and Tomba, Luigi. 2016. **Pollution: China Story Yearbook 2015**, Australia, ANU Press.
- Dittmer, Lowell and Ngeow, Chow Bing. 2017. **Southeast Asia and China: A Contest in Mutual Socialization**, Singapore, World Scientific.
- Fels, Enrico and Vu, Truong-Minh. 2016. **Power Politics in Asia's Contested Waters: Territorial Disputes in the South China Sea**, Germany, University Of Bonn, Center for Global Studies.
- Gerstl, Alfred and Strašáková, Mária. 2017. **Unresolved Border, Land and Maritime Disputes in Southeast Asia: Bi and Multilateral Conflict Resolution Approaches and ASEAN's Centrality**, Netherlands, Koninklijke Brill NV, Leiden.
- Goldstein, Avery. 2005. **Rising to the Challenge: China's Grand Strategy and International Security**, California, Stanford University Press.
- Grigsby, Ellen. 2014. **Cengage Advantage Books: Analyzing Politics**, USA, Wadsworth Publishing.
- Guan, Kwa Chong and Skogan, John K. 2007. **Maritime Security in Southeast Asia**, London and New York, Routledge.
- Henriksen, Anders, 2017. **International Law**, UK, Oxford University Press.
- Heydarian, Richard Javad. 2016. **Can China Really Ignore International Law?**, The National Interest, at: <http://nationalinterest.org/feature/can-china-really-ignore-international-law-17211>.
- Himanshu, Goenka, (2016), 'China To Increase Military Spending Budget By 7% To 8% In 2016', <http://www.ibtimes.com/china-increase-military-spending-budget-7-8-2016-2330045>.
- <http://www.globalfirepower.com>
- Institute for Strategic Studies, National Defense University of People's Liberation Army. 2015. **International Strategic Relations and China's National Security**, Singapore, World Scientific.
- Kassim, Yang Razali. 2016. **The South China Sea Disputes: Flashpoints, Turning Points and Trajectories**, Singapore, World Scientific.
- Kay, Sean. 2012. **Global Security in the Twenty-first Century: The Quest for Power and the Search for Peace**, UK, Rowan and Littlefield.
- Keyuan, Zou. 2009. **China-Asean Relations and International Law**, UK, Chandos Publishing.
- Kirchberger, Sarah. 2015. **Assessing China's Naval Power: Technological Innovation, Economic, Constrains, and Strategic Implications**, Germany, University Of Hamburg, Department Of Chinese Language and Culture.
- Kivimaki, Timo. 2002. **War or Peace in the South China Sea**, Norway, Nordic Institute of Asian Studies.

- Lindemann, Björn Alexander. 2014. **Cross-Strait Relations and International Organizations: Taiwan's Participation in IGOs in the Context of Its Relationship with China**, New York, Springer VS.
- Lowther, Adam. 2013. **The Asia-Pacific Century: Challenges and Opportunities**, Alabama, Air University Press, Air Force Research Institute.
- Mearshaimer, John. 2005. **Realism is Right**, National Interest, No. 81.
- Orban, Anita. 2008. **Snakes in Myth, Magic, and History: The Story of a Human Obsession**, USA, Praeger.
- Perlez, Jane. 2016. **Philippines v. China: Q. and A. on South China Sea Case**, The New York Times, at: <http://www.nytimes.com/2016/07/11/world/asia/south-china-sea-philippines-hague.html? r=0>.
- Rittberger, Volker; Zangl, Bernhard; Kruck, Andreas. 2012. **International Organization**, New York, Palgrave Macmillan.
- Rongxing, Guo. 2012. **Territorial Disputes and Conflict Management: The Art of Avoiding War**, New York and London, Rutledge.
- Shicun, Wu and Keyuan, Zou. 2016. **Arbitration Concerning the South China Sea: Philippines Versus China**, London and New York, Routledge.
- Singh, Sinderpal. 2017. **Modi and the World: (Re) Constructing Indian Foreign Policy**, Singapore, World Scientific.
- Singh, Teshu. 2012. **South China Sea: Emerging Security Architecture**, Institute of Peace and Conflict Studies, Report 132.
- Storey, Lan and Lin, Cheng-Yi. 2016. **The South China Sea Dispute: Navigating Diplomatic and Strategic Tensions**, Singapore, ISEAS.
- Trachtenberg, Marc. 2003. **The Question of Realism**, Security Studies, 13: 1.
- U.S. Department of State. 2014. **Maritime Claims in the South China Sea**, Report No. 143. December 5.
- US Office of the Secretary of Defense. 2016. **Military and Security Developments Involving the People's Republic of China 2016**, Annual Report to Congress.
- Vuong, Bui Tran. 2013. **The Reminiscence**, USA, Xlibris Corporation.
- Waltz, Kenneth N. 1979. **Theory of International Politics**, Berkley, University of California.
- Waltz, Kenneth N. 1988. **The Origins of War in Neorealist Theory**, Journal of Interdisciplinary History, Vol. 18, No. 4.
- Waltz, Kenneth N. 1990. **Nuclear Myths and Political Realities**, The American Political Science Review, Vol. 84, No. 3.
- Wathanatidpong, Nicha. 2015. **China's Territorial Claiming Policy in the South China Sea: Power vs National Identity?**, Central European University department of International Relations and European Studies.
- Weber, Cynthia. 2005. **International Relations Theory: A Critical Introduction**, London and New York, Routledge.

- Weiss, Thomas George. Daws, Sam. 2007. **The Oxford Handbook on the United Nations**, UK, Oxford University Press.
- Yoshihara, Toshi and Holmes, James R. 2007. **Asia Looks Seaward: Power and Maritime Strategy**, USA, Praeger.
- Young, Adam J. 2007. **Contemporary Maritime Piracy in Southeast Asia: History, Causes and Remedies**, Singapore, ISEAS.

